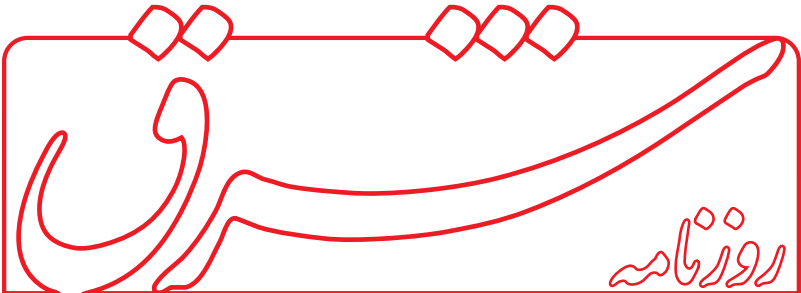




روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیر مسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: میدان فاطمی خیابان فلسطین، کوچه برادران غفاری، پلاک ۲۶
تلفن: ۸۸۹۸۶۸۹-۳۷-۳۷-۸۸۹۸۶۸۸۸ نامبر: ۸۸۹۸۶۸۸۸-۲۲-۸۸۹۸۶۸۲۰
امور مشترکین: تلفن: ۸۸۸۱۴۲۳-۳۲-۸۸۸۱۴۲۳
توزیع: شرکت پیام‌سان پیروز تلفن: ۵-۶۶۲۷۲۱۳۰
چاپ: گل‌ریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲
www.sharghdaily.ir

تهران: اذان ظهر ۱۲:۱۹ اذان مغرب ۱۸:۰۱ اذان صبح فردا ۵:۳۰ طلوع آفتاب ۶:۵۴



دوشنبه ۲۳ بهمن ۱۳۹۱ - ۳۰ ربیع‌الاول ۱۴۳۴ - ۲۷ فوریه ۲۰۱۳ - سال دهم - شماره ۱۶۶۹ - ۱۶ صفحه



صدور حکم نبش قبر «پابلو نرودا» در شیلی

ایسنا:داگاهی در شیلی در راستای بخشی از تلاش‌ها برای تعیین علت مرگ، حکم به نبش قبر «پابلو نرودا»، شاعر داد این شاعر برنده نوبل ادبیات پس از سرنگونی دولت سوسیالیست «سالوادور آلنده» در کودنای نظام توسط ژنرال «اگوستو پینوشه» در ۱۹۷۳ درگذشت. خانواده او بر این نکته تأکید داشته‌اند که وی به مرگ طبیعی و بر اثر ابتلا به بیماری سرطان در سن ۶۹ سالگی فوت کرده، در حالی‌که از سال ۲۰۱۱ تحقیقاتی درباره امکان مسمومیت وی آغاز شده پیش‌تر پزشکان اعلام کردند، علت مرگ پابلو نرودا ابتلا به سرطان پروستات بوده است.

نگاه سبز

یک خبر خوش برای مخالفان شکار



محمد درویش*
Darvish100@gmail.com

● تازه‌ترین سرشماری‌ها از شمار علف‌خواران اصلی کشور نشان می‌دهد که چیزی در حدود ۱۱۱ هزار راس بیشتر از آنها باقی نمانده است. یعنی: مجموع همه کل‌ها، بزها، قوچ‌ها، میش‌ها، آهوها و جیب‌رهای که اینک در سرزمین پهناور ایران زیست می‌کنند، حتی برابر با نیمی از جمعیت این وحوش در منطقه دشت ارزن و پریشان و کوهستان‌های مشرف به رویشگاه برم در سال‌های میانی دهه ۴۰ هجری شمسی؛ زمانی که اسکندر فیروز بزرگ، سازمان متولی محیط‌زیست را در این کشور بنیان نهاد، هم نیست!- چگونه چنین فاجعه‌ای در کمتر از نیم‌قرن رخ داده است و چگونه همه سکوت کرده‌ایم در برابر این روند شتابناک مرگ در اصلی‌ترین زیستگاه‌های کشور؟ این در حالی است که پیش از آن تاریخ هم، دو پستاندار اصلی و مشهور کشور، یعنی ببر مازندران و شیر یال‌کوتاه ارزن را از دست داده بودیم؛ آن هم در زمانی که هنوز مفهوم توسعه، راسازی، جامایی شهرک‌های صنعتی، رشد سکونت‌گاه‌های انسانی، گسترش اراضی کشاورزی و به طور کلی آلودگی منابع آب، خاک و هوا چنین قارچ‌گونه، تومور سرطانی خود را بر پیکره اندام‌های طبیعت وطن چنگ زده بود و هنوز تمامی تالاب‌ها و دریاچه‌ها و رودخانه‌های کشور آباد بود و لبالب از آبی زلال و گوارا، به سختی سادتر، مهم‌ترین دلیل نابودی ببر و شیر در ایران، یی‌شک، شکار بی‌رویه این دو گربه‌سان ارزشمند طبیعت ایران‌زمین بوده است- روندی که با وجود روشنگری‌های فراوان و ظهور نهضت‌های پیش‌رو برای آگاهی‌بخشی در حوزه رعایت احترام به حق حیات برای همه زیست‌مندان ساکن در کره زمین، همچنان دست بالا را دارد؛ واقعیتی که اعلام رسمی بیش از یک میلیون و ۵۰۰ هزار اسلحه دارای مجوز در دست مردم، آن را آشکارا تأیید می‌کند. غم‌انگیزتر همه، مشاهده موضع انفعالی ارمانی است که باید متولی و پاسدار زی‌گوتگی حیات در وطن باشد؛ سازمانی که سال گذشته، عالی‌ترین مقام مسوولش در حوزه محیط طبیعی در دانشکده محیط‌زیست دانشگاه تهران و در حضور شاهدان فراوانی از جمله نگارنده، به صراحت گفت: تا زمانی که در این مسوولیت حضور دارد، هیچ پروانه شکاری با امضای اصغر محمدی فاضل صادر نخواهد شد و شورشخانه، اینک، چیزی که فراوان به چشم می‌آید، همین وجود پروانه‌های جورواجور شکار در دست آنهايي است که فکر می‌کنند با ریختن خون این اندک وحوش باقیمانده در طبیعت ایران، ورزشی روحبخش و جان‌افزا و تفریحی سالم به نام شکار را تداوم می‌بخشند!

سازمان حفاظت محیط زیستی که وقتی می‌بیند از منظر شاخص EPI، در طول شش‌سال گذشته (۲۰۰۶ الی ۲۰۱۲) ۶۱ پله سقوط کرده و به رتبه ۱۱۴ نزول یافته است، به جای آنکه کمربندها را محکم‌تر بسته و در کنار حفاظتی جدی‌تر از زیستگاه‌ها و تمامیت رویشگاه‌های گیاهی و منابع آب و خاکش، نهضتی فراگیر و فرهنگ‌ساز برای نفی ضرارزشتی به نام شکار راه بیندازد، شرایط برای مافیای پر قدرت شکارچیان مهیا شد و یک جا نمایشگاه اسلح محیط‌زیست را تبدیل به عرصه ویتزینی- برای نمایش و فروش انواع اسلحه‌ها و ابزارهای شکار و ترویج این فرهنگ خونریزانه می‌کند!

به راستی این درد را باید به کجا برد و با کی سپیم‌ش؟ آیا نمی‌دانیم که اینک به ازای هر یک از شش گونه علفخوار یاد شده، بیش از ۱۳ اسلحه و سه‌هزار گلوله بالقوه وجود دارد که برای کشتن آنها، در کمینگاه‌های مرگ منتظر ایستاده‌اند؟! و در چنین شرایطی است که وقتی از پارلمان اروپا خبر می‌رسد که نمایندگانش همین چهارشنبه گذشته - در هجدهمین روز از بهمن ۱۳۹۱ - با تصویب قطعنامه‌ای از اتحادیه اروپا خواسته‌اند در مبارزه با شکار، گونه‌های در معرض خطر انقراض، نقش مهم‌تری ایفا کنند، نفسی کشیده و برق‌امیدی در چشمان هزاران فعال محیط‌زیست در ایران هم جان می‌گیرد. یادمان باشد که شمار اعضای «کنوانسیون تجارت بین‌المللی گونه‌های جانوری و گیاهی وحشی در معرض خطر انقراض» - CITES - هم‌اکنون به ۱۷۶ دولت، از جمله ۲۷ کشور عضو اتحادیه اروپا و نیز جمهوری اسلامی ایران می‌رسد. بنابراین، انتظار می‌رود تا تصویب چنین قطعنامه‌ای بتوان فشار بیشتری بر غارتگران ذخیره ژنتیکی جهان و قاتان گونه‌های گیاهی و جانوری در معرض خطر انقراض را انتظار کشید؛ فشاری که امیدوارم سبب شود، مسوولان محیط طبیعی سازمان حفاظت محیط‌زیست ایران را هم وادار تا اقدامی تاریخی و موثر برای نفی همیشگی شکار به عنوان یک ورزش یا تفریح سالم و دوستدار طبیعت! انجام دهند.

سحر آزاد، در حالی که به نظر می‌رسید سیم‌رغ‌های کریستالی سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر بر شاه‌های فیلم استرداد با ۱۴ کاندیداتوری در رشته‌های مختلف بنشینند، این فیلم دریند و پرویز شهبازی بودند که با نامزدی در رشته سه جایزه از جوایز اصلی این دوره را به خود اختصاص داد. فیلم پرخرج علی غفاری که به تهیه‌کنندگی بنیاد سینمایی فارابی ساخته شده از میان پنج رشته اصلی سیم‌رغ بهترین فیلم و بهترین بازیگر نقش اول مرد را برای حمید فرخ نژاد دریافت کرد. در حالی که فیلم دریند جایزه بهترین کارگردانی، بهترین تصویربرداری برای هومن بهمنش و بهترین بازیگر نقش مکمل را برای پگاه آهنگرانی کسب کرد. تازه‌ترین فیلم شهبازی داستان دختر داشجوی شهرستانی را به تصویر می‌کشید که برای چند هفته مجبور به هملخاگی با دختر دیگری شده بود. شهبازی در این فیلم هم سعی کرده بود دغدغه‌های نسل جوان و مشکلات آنها را به روایت خود به تصویر بکشد. بازیگر نقش اول این فیلم یعنی نازنین بیاتی که نخستین تجربه بازیگری خود را به نمایش می‌گذاشت نیز نامزد سیم‌رغ بلورین بود که در رقابت با هانیه توسلی که یکی از نقش‌های متفاوت خود را در فیلم دهلیز به نمایش گذاشته بود آن را واگذار کرد. اما در بخش جوایز مردمی مانند سال گذشته که داوران فیلم پیمان معادی را ندیدند اما مردم جایزه را به آن فیلم دادند دو فیلم حوض نقاشی به کارگردانی مازیار میری و «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» پوران درخشنده سیم‌رغ بلورین را گرفتند. راسم اختتامیه سی‌ویکمین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر شامگاه بیست و دوم بهمن در سالن اصلی برج میلاد با حضور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، رئیس سازمان سینمایی و هنرمندانی چون رسول صدرعاملی، بهروز افخمی، مهدی فخیم‌زاده، پوران درخشنده و مانی حقیقی بر گزار شد. محمدرضا عباسیان دبیر این دوره از جشنواره در صحبت‌های کوتاهی از مدیران بالاتر از خود که در جریان جشنواره موثر بودند سپاسگزاری کرد. اما اهدای جوایز بخش سودای سیم‌رغ مهم‌ترین بخش این مراسم بود که با اهدای جایزه ویژه جلوه‌های میدایی به محسن روزبهانی برای فیلم استرداد آغاز شد. جایزه جلوه‌های ویژه بصری نیز به فیلم عقاب صحرا و بهنام خاکسار تعلق گرفت. در بخش صدا جایزه بهترین صدابرداری به یلالله نجفی و دانشمند برای فیلم قاعده تصادف و بهترین صداگذاری

به محمدرضا دلیاک برای دو فیلم استرداد و برلین منفی هفت اهدا شد. فیلم حوض نقاشی مازیار میری که به نظر می‌رسید یکی از بخت‌های اصلی جشنواره است تنها جایزه بهترین طراحی لباس و صحنه را برای آنوسا قلم‌فرسایی کسب کرد. فیلم رسوایی مسعود دهنمکی نیز تنها سیم‌رغ بلورین چهره‌پردازی را برای علی اسکندری گرفت. در بخش تدوین هم این بهرام دهقانی بود که برای دو فیلم آسمان زرد کم عمق و استرداد سیم‌رغ بلورین را دریافت کرد. جایزه موسیقی متن را هم حامد ثابت برای فیلم برلین منفی گرفت و در این بخش کار موسیقیدانی چون حسین علیزاده برای فیلم آسمان زرد کم عمق جزو نامزدها هم نبود. کران همایون فر برای فیلم «هیس دخترها فریاد نمی‌زنند» و «فریدون شهبازی» برای فرزند چهارم نامزد بودند اما در بخش بهترین تصویربرداری از میان پیمان شادمافر، محمود کلای، فرشاد محمدی، هومن بهمنش، محمد آلاپوش و توج منصورى امسال نوبت هومن بهمنش بود که جایزه بهترین تصویربرداری را برای «دریند» از آن خود کند.در بخش بازیگری امسال نوبت رامبد جوان بود که جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل را برای آهنگرانی نیز جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برای دریند گرفت. هانیه توسلی در پنجمین بار نامزدی خود بالاخره توانست این سیم‌رغ را برای فیلم دهلیز به نام خود ثبت کند.حمید فرخ‌زاد هم ۱۳ سال بعد از کسب نخستین سیم‌رغ خود در حالی که امسال گمان می‌برد این جایزه را برای فیلم زندگی مشترک خانم و آقای محمودی ببرد برای فیلم استرداد برنده سیم‌رغ بلورین شد. جایزه بهترین بلورین بهترین کارگردانی را برد و جایزه بهترین فیلم به محسن آقا علی‌اکبری و استرداد تعلق گرفت. در بخش سودای سیم‌رغ البته یک جایزه ویژه هیأت داوران به طور ویژه به فیلمی و خانواده‌ای تعلق گرفت که دیده نشدند یعنی خانواده داودنژاد و کلاس هنرپیشگی جایزه نگاه نو ویژه فیلم‌های اول و دوم نیز برای کارگردانی به هادی مقدم دوست برای فیلم سر به مهر و بهترین فیلم به دهلیز و محمود رضوی اهدا شد.

دکه	
مهارت‌های حل مساله	
نام نشریه: مجله ریاضی پایا	
سردبیر: میرشهرام صدر	
زمان انتشار: زمستان ۱۳۹۱	
تعداد صفحات: ۶۴ صفحه	
قیمت: ۲۵۰۰ تومان	
مطالب مهم:	
تفکر در ریاضیات/ دکتر غلامرضا یاسی‌پور/ صفحه ۳	
پادشاه‌ها، مدال‌ها و جوایز در	



بیپتی

من یک سوسیالیست هستم



داریوش معمار

رمانتیسیسم جاری بر شعر وی بوده. نادرپور جزو چهره‌ای شاخص و محترم در جریان‌های فرهنگی و هنری آن دوره به حساب می‌آید. او که تحصیلات نیمه تمامی در زبان فرانسه داشت و مدتی را نیز در ایتالیا اقامت گزیده بود، سال‌های پایانی عمرش را در فرانسه و شهر فرشتگان یا از دریچه نگاه او شهر خفتگان (لس‌آنجلس) در آمریکا گذراند. گفته‌اند که از زبان انگلیسی نفرت داشته و از شهر خفتگان بیزار بوده و همواره در کنه‌نالی خود خاطرات دوران جوانی و میناسالی را ستوده است.

«مجید نفیسی» از شاعرانی که در آن سال‌ها به نادرپور نزدیک بود در مورد وی می‌نویسد: می‌دانم که تنگدست بود و نسبت به بی‌چیزان احساس نزدیکی می‌کرد. در همان دیدار آخر گفت: من یک سوسیالیست هستم. صبح‌ها هم که همراه زاله به پیاده‌روی می‌رویم و چشمم به افراد بی‌خانمان می‌افتد که در پیاده‌روها یا زیر ماشین‌ها خوابیده‌اند، دلم فشرده می‌شود و ضرورت عدالت اجتماعی را بیشتر درمی‌یابم.

نادرپور متعلق به نسلی از نویسندگان و هنرمندان ایرانی است که سخت از نسل بعد

از خود بریده شدند و تأثیری که شایسته

هنرمندی‌شان بود در خاطر نسل جوان باقی

نمانده، اما می‌توان امید داشت، آینده حالی دیگر

را برای خاطره حضورشان رقم بزنند. مجموعه

کامل اشعار نادرپور طی این سال‌ها در سری جلد

سفید نگاه انتشار یافته است.



عکاس‌خانه

شنیدم که چون قوی زیبا بمیرد

عکاس: امید صالحی

متولد تهران ۱۳۶۰

از سال ۱۳۸۰ تاکنون در زمینه عکاسی فیلم در سینما و تلویزیون مشغول بوده که به طور حرفه‌ای از سال ۱۳۸۵ فعالیت خود را ادامه داده و تاکنون عکاس فیلم‌هایی چون: حلقه‌های ازدواج، روزهای زندگی، ماهی کوبر و... در زمینه سینما بوده و در تلویزیون سریال‌هایی چون:

سقوط یک فرشته، مثل یک کلبوس، پپا و پنهان و... که در سال ۱۳۹۱ در فیلم روزهای زندگی موفق به دریافت سیم‌رغ بلورین سی‌ویکمین جشنواره فیلم فجر شد.

فیلم ساختاری جنگی دارد،

داستان این فیلم در سال ۱۳۶۷ می‌گذرد. در زمانی که لایلا و امیرعلی، زن و شوهری که زندگی خود را وقف بیمارستان صحرایی در جبهه جنوب کرده‌اند. امیرعلی و همسرش به دلیل سال‌ها کار در آنجا به حال و هوای جبهه وابستگی شدیدی پیدا کرده‌اند. اما اعلام خبر آتش‌بس و بعد حمله نیروهای عراقی به بیمارستان، این زوج را در آزمایشی دشوار قرار می‌دهد.

نوشتن در سایه انقلاب

نباید برای نوشتن عجله کرد

ترجمه: مریم حیدری

● **در این ستون نویسندگان عرب به این سوال، پاسخ می‌دهند که آیا تحولات اخیر، جامع عرب بر نوشتن‌شان و سبک و سیاقش تأثیر گذاشته‌اند؟ این نویسندگان در کشورهایی که در آنها انقلاب یا جنبش صورت گرفته، زندگی نمی‌کنند، بلکه می‌خواهیم بدانیم هر یک از این نویسندگان در دیگر کشورها عرب، چگونه به این حواالت نگریسته‌اند؟ بشیر مفتی – الجزایر – نویسنده**

«الجزایر، بهار خود را در سال ۱۹۸۸ تجربه کرد و آن هنگام، اگر جهان مثل امروز بود، ممکن بود تغییر بزرگی حاصل شود. پیروزی انقلاب جوانان الجزایر در اکتبر آن سال، در واقع، شکست اصل تک‌حزبی و گشوده شدن در به روی پلورالیسم سیاسی و فرهنگی بود و این مساله، نقطه مهمی در تاریخ کشور ما پدید آورد که نتایج بسیاری به دنبال داشت: آزادی بیان و پیدایش جامعه جدید مدنی و نتایج مثبت دیگر. اما وقتی تندرویان، حکومت را در دست گرفتند، مسایل وارونه شد و جنگ سختی میان ارتش و آنها در گرفت؛ جنگی که نه پیروز داشت و نه شکست‌خورده، بلکه فقط یک «شی ملی» بود، اما این جنگ، حدود ۲۰۰۰ کشته در پی داشت و به ویرانی زیرساخت‌ها و فروریزی بسیاری از ارزش‌هایی که نسل‌های نویسندگان و هنرمندان و جوانان کشور، از آنها دفاع کرده بودند، انجامید.» نویسنده رمان «درختان قیامت» می‌افزاید: «فکر می‌کنم وقتی انقلاب‌های مردمی را دیدیم، همه به یاد حوادثی افتادیم که برای خودمان روی داده بود و خیلی خوشحال شدیم که دیدیم عرب‌ها دارند از شر حکومت‌های دیکتاتوری رها می‌شوند. این به نوبه خود یک دستاورد عظیم و شگفت‌انگیز بود، اما نتایج آن، نیاز به بحث طولانی دارد چون می‌بینیم که خیلی هم به نفع ملت‌ها نبوده و نتایجی را که انتظار می‌رفت، در پی نداشت.

مفتی که رمان‌های بسیاری منتشر کرده و در برخی از آنها به سال‌های تروریسم و رنج در الجزایر پرداخته، عقیده دارد: «ادبیات همیشه با واقعیت، ارتباط برقرار می‌کند، اما فکر نمی‌کنم اگر با این بهار عرب، ارتباط برقرار کند، آثار ادبی پخته و به‌تمرسیدهای عرضه کند، بلکه چنین آثاری، بیشتر به ثبت حوادث زنده شییه می‌شوند. ادبیات نباید در پرداختن به این حوادث عجله کند. از این هراس دارم که برخی نویسندگان عجلول، برای دستیابی به شهرتی موقت، از نوشتن آثار ادبی بازرش دور شوند.